

## مفاصا حساب

ما در برابر بعضی از مفاهیم اجتماعی یا قضائی مصطلح طوری استراحت حال پیدا می‌کنیم مثل اینکه توی پر قوخواییده باشیم هیچگونه دغدغه خاطر واضطراب به خود راه نمی‌دهیم

یکی از آنها همین عنوانی است که ما آنرا مطرح ساخته به تحلیل و تجزیه مفهوم قضائی آن می‌پردازیم.

این استراحت حال مخصوصاً وقتی تأکید میشود که مفاصا حساب ضمن سند رسمی تنظیم شده باشد در این موقعیت است که دارنده آن باد بگلو انداخته حاضر نیست کوچکترین اعاده نظر یا صحبتی در اطراف چنین حسابی که منجر بدریافت چنین مفاصائی گردیده یا مدعی بنماید ما در اثر تحریک یکی دو تا دادنامه های صادره از دادگاههای نخستین و پژوهش در محکومیت خواهان باستناد بمفاصا حساب مخصوصاً از اینجهت که باسند رسمی تنظیم شده به تشریح قضائی معنی عنوان بالا پرداخته ایم امیدوارم این نوع تذکرات مخصوصاً برای دادرسان جوان خالی از فائده نبوده - و تبصره‌ای برای همکاران تازه کار ماباشد.

مفاصا که بظلمت با فتح میم اصطلاح گردید باضم میم و آخر آن حرف ة که علامت مصدر از باب مفاصله (مفاصاة) بوده از کثرت استعمال افتاده و مجرد آن فصي یفصي در لغت بمعنی ازاله و جدا کردن دو چیز از همدیگر است (المنجد) و در اصطلاح نوشته‌ایست که برابر آن حساب بدهی و بستان دونفر پس از جمع و تفریق از هم سواء و نتیجه و حاصل آن **با قید اینکه از هم طلبی ندارند** روی کاغذ نوشته شده و چنین نوشته مفاصا حساب نام گرفته است.

مفاصا حساب که غالباً از ناحیه خواننده در برابر دفاع از دعوی خواهان ابراز میشود نوشته‌ای است که مشمول تعریف ماده ۲۸۴ و ماده ۳۵۳ از قانون و آئین دادرسی مدنی بوده و جزء ادله دفاع قرار گرفته است و شاید سوء تفاهمی که باقایان دادرسان از جهت غلو در اعتبار مفاصا حساب رسمی روی میدهد حکمی است که در ماده ۱۲۹۲ از قانون مدنی بطور عموم در باره اسناد رسمی صادر شده و برابر آن «در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست»

در صورتیکه این احترام سند رسمی و عدم استماع تردید و انکار در برابر آن در این ماده فقط ناظر بصحت صدور نوشته بوده و هیچوقت ضامن صحت و درستی مفهوم و مندرجات آن نیست بعبارت دیگر این نوشته سند است نه دلیل و دلالت آن بر واقعیت وقتی است که بصورت حسابی که باستناد بان این مفاصا نوشته شده و رسیدگی و صحت آن

## مفاصا حساب

محرز و مسلم گردد و به تعبیر دیگر اگر شخصی بر علیه شخص دیگر با وجود سابقه حسابی که با هم داشته‌اند اقامه دعوی کرده و مبلغی را مطالبه نماید و این مطالبه باستناد بدفاتر تجارتي یا نوشتجات فیما بین صورت گرفته باشد پاسخ خواننده در دفاع از دعوی به استناد به مفاصا حساب تنظیم شده در دفتر اسناد رسمی متوجه میشود اشتباه در حساب بقول معروف همواره مرجوع خواهد بود - بنابراین مفاصا حساب رسمی بر مفاصا حساب عادی در صورت اعتراف طرف بصحت صدور آن از ناحیه خود کوچکترین مزیتی نداشته و مادام که اختلاف حساب برقرار و بر دوام بوده ادعای اشتباه در هر دو مورد قابل استماع است.

### مشروعیت بیان ماجنین استدلال میشود که :

هر نوشته بطور عموم مفاداً از دو صورت خارج نیست :

الف - یا نوشته بصورت یکی از عقود و ایقاعات تنظیم گردیده که بمحض امضاء با قصد انشائی که طرفین داشته اند از جهت تعهداتی که بعمل آمده بهم پیوسته‌اند این پیوستگی و واقعیت آن بمحض امضاء انشاء و خلق گردیده و وحدت زمان انشاء عقد با زمان واقعیت آن غیر قابل احتراز و گفتگو است.

ب - یا نوشته بصورت اقرار و اعتراف بواقعی است که از پیش وجود داشته است و قصد انشاء و معامله‌ای در بین نیست.

و این صورت ممکن است سه شکل : ۱ - اقرار ساده ۲ - صورت مجلس ۳ - یا مفاصا حساب نمودار گردد - از این جهت بدیهی است که امضاء کنندگان آن ضمن اقرار به مندرجات نوشته از واقعیتهائی خبر داده‌اند که در گذشته بوقوع پیوسته و بر واضح است زمان واقعیت که بدان اخبار شده است با زمان خود اخبار و یا بعبارت جامع تر زمان اخبار با زمان خبر دوتا بوده و یا هم نسبت مانعة الجمع را دارند.

ملاك اصولی نفوذ اقرار بر علیه اقرار کننده عموم قاعده ( اقرار العقلاء علی انفسهم جائز ) است که در ماده ۱۲۹۲ ق.م. از آن « باخبار بحق غیر و بضر خود » تعریف شده است - و این اخبار از جهات زیر ممکن است قابل خدشه باشد :

اولاً - بعموم قاعده دیگر از این جهت که اقرار باخبار تعبیر گردیده الخبر یحتمل الصدق والكذب یعنی اقرار محتوم به قطعیت نیست اخبار از چیزی ممکن است درست یا نادرست باشد.

ثانیاً - بطوریکه گفتیم چون زمان واقعیت خبر با زمان اخبار یکی نبوده و از هم سواء است ممکن است نادرست یا اساساً دروغ یا اشتباه شده باشد و از همین جهت است که قانون مدنی در مواد ۱۲۷۶ و ۱۲۷۷ این نوع اقرار را نافذ ندانسته و دعوی مقرر را قابل استماع دانسته است.

البته با اینکه قانون مدنی دعوی فساد یا اشتباه یا غلط بودن اقرار را عمومیت داده است مع هذا چون مورد بحث ما اقراری است که بصورت مفاصا حساب نوشته میشود

و ناگزیریم امتیازی را که طبعاً این نوع نوشته از انواع دیگر از اقرارها دارد روشن سازیم و آن اینکه :

قبلاً این جقیقت را باید اعتراف نمود که تشخیص اخباریت عبارت با انشائیت آن خالی از اشکال نبوده از اینجهت برای اینکه فهم مطلب آسان باشد ما مجبوریم اشکال مختلف ممکنه اقرار را که در بالا بسه نوع تخصیص داده ایم در زیر تفصیل و به تحلیل و تجزیه هر کدام بپردازیم :

۱ - اگر زید برابر نوشته ای چنین اقرار کند که « اینجناب برابر این نوشته مبلغ یکصد هزار ریال در حق عمر بدهکار میباشم » و بعداً مدعی باشد که این اقرار او مبنی بر فساد یا اشتباه یا دروغ بوده بنظر ما بصراحت مواد ۱۲۷۶ و ۱۲۷۷ نامبرده این دعوی قابل استماع است.

۲ - در نظر ما عبارت معروف و معمول قدیمی « طلب جناب ..... مبلغ .... ریال از اینجناب است که عندالمطالبه کارسازی دارم » نیز داخل در قسمت اخبار و در حکم اقرار است - صورت انشائی دوشکل بالا را فقط میتوان اینطور مجسم نمود ( مبلغ .... از آقای .... دریافت نمودم که عندالمطالبه کارسازی دارم ) و اگر بجای عبارت « دریافت نمودم » عبارت « قرض گرفتم » نوشته میشد البته چون بصورت عقد قرض است قطعیت داشته و انشاء صرف خواهد بود.

دوشکل اخبار مذکور که حکایت از وجود حقی در حق غیر و بضرر خبر دهنده مینماید بصورت مثبت است و ممکن است اخبار بصورت منفی هم در آید از اینقرار که مثلاً نوشته شود :

۳ - « اینجناب .... برابر این نوشته از آقای .... طلبی ندارم - یا طلبی از آقای .... ندارم » و این عبارت نیز که اخبار بحق غیر و بضرر مقرر است با اینکه صورت منفی دارد با تعریف اقرار در ماده ۱۲۵۹ تطبیق مینماید و بنابراین دعوی فساد یا اشتباه بترتیب معروض باید شنیده شود.

حالا اگر در فهم دوشکل اولی و دومی از حیث اخبار و انشاء بودن صعوبتی تصور شود این صعوبت از اینجهت ناشی شده که رویه قضائی در این موضوع تاکنون تا این درجه وحدت دقیقاً حلاجی و تحلیل نگردیده و غالباً و تا حال این صور و اشکال اقرار را یکجا بصورت و بحساب قرض که یکی از عقود است منظور داشته و مورد حکم قرار داده ایم و حرکت برخلاف این جریان معمول یک مرتبه خالی از اشکال نخواهد بود ولی در شکل سومی یعنی در صورت منفی اخبار بودن عبارت بدیهی بوده و بر عکس صورت انشائی آن اساساً قابل تصور نیست زیرا پرواضح است که بعد از ابراز چنین نوشته ای که من از کسی طلبی نداشته ام - اگر بعداً قبضی پیدا کردم که برابر آن از همان شخص مقررله فلان مبلغ را طلبکار هستم اقرار قبلی مبطل این سند پیدا شده نبوده و حق مطالبه را از بین نخواهد برد مخصوصاً در موقعیتی که دارنده آن مدعی است ( اقرار کتبی پیشین او مبنی

## مفاصا حساب

بر اشتباه بوده است بنظر من در این موارد فقط یک شرط میتواند سبب اسقاط حق گردد و آن اینکه حقوق احتمالی (نظیر حقی ناشی از سند پیدا شده) ضمن عقد خارج لازم اسقاط شده باشد و در اینصورت هم اسقاط حق ضمن عقد باعث ابطال حقوق احتمالی گردیده نه خود اقرار.

### ۴. حالا برمی گردیم باصل مطلب (اقرار بصورت مفاصا حساب)

بطوریکه گفته شد اگر در اشکال و صورتهای مفروض اقرارها صعوبتی در فهم از جهت تشخیص اخبار و انشاء بودن آنها ممکن است ایجاد شود در صورت (اقرار به شکل مفاصا حساب) کوچکترین تصویری از این صعوبت درین نیست زیرا چنانکه معمول است در مفاصا حساب بطوریکه از نامش پیداست مستند اقرار بحق غیر و بضرر صاحب مفاصا نفیاً و اثباتاً صورت حساب یا فوشتجات قبلی است و بنا بر این بدیهی است که مقدم بر مفاصا حساب محاسبه ای فیما بین بوده که در اثر جمع و تفریق محاسبه فیما بین منجر بصور چنین مفاصا گردیده است چون این نوع اقرار اخبار از محاسبه پیشین است چه باسناد عادی یا باسند رسمی تنظیم شده باشد بدیهی الاخبار بوده و حتمی است که باید دعوی اشتباه یا فساد آن از طرف خواهان در دادگاهها شنیده شود مگر در پایان مفاصا حقوق احتمالی و موجود ضمن عقد خارج لازم اسقاط یا مصالحه شده باشد که حکم این اسقاط بطوریکه گفته شد مربوط به نفس اقرار نبوده و مربوط باسقاط ضمن اقرار میباشد.

استدلال ما در مراتب بالا از اینجهاست مشروعیت دارد که :

الف - از نظر روانکاوی.

از نظر روانکاوی اقراریکه اخبار بحق غیر میباشد حالتی است روحی که بچهار کیفیت زیر ظاهر میشود:

الف - خبر با واقع مطابق است و این مورد دو جور ممکن است باشد.

یکم - اینکه مقرر شخصاً با اعتمادی که بحافظه خود دارد در صحت خبری که میدهد

قاطع است .

دوم - اینکه مقرر در صحت و سقم آن مردد است.

ب - خبر با واقع مطابقت ندارد و این نیز بدو صورت است.

۱ - ممکن است مقرر از عدم مطابقت خبر با واقع مستحضر باشد ولی عمداً خبر خلاف واقع را داده است اصطلاح حالت روحی معروف این مورد دروغ است.

۲ - ممکن است مقرر از عدم مطابقت خبر با واقع مطلع و مستحضر نبوده ولی تصور مینماید که اقرار او درست بوده است و بعداً که اقرار بوقوع پیوسته بعدم مطابقت آن با واقع بی برده است اصطلاح این مورد بعنوانین مختلف: سهو - نسیان - اشتباه و غفلت نامیده میشود : ۱ - البته حالت روحی این شق ۲ - از قسمت ب از جهت عدم امکان قطع مقرر در مطابقت خبر با واقع باشد ۲ - از قسمت الف مساوی است الا اینکه چون در شق ۲ از قسمت الف این عدم امکان قطع با مطابقت خبر با واقع تصادف کرده است از عنوان سهو یا اشتباه

## مفاصا حساب

خارج شده والا از نظر روحی دو حالت با هم کاملاً شبیهند زیرا امکان مطابقت وعدم آن در نظر مقرر در هر دو اتفاقی بوده است.

**تبصره -** استعمال عبارت دروغ در شق ۱ از قسمت ب فقط از نظر تبعیت از یک اصطلاح معروف عمومی است والا مفهوم آن با این مورد از اقرار که منظور ماست از هم زیاد فاصله داشته و درست معکوس همدیگرند از اینقرار که دروغ از نظر حقوقی و غالباً اخبار بحقی است برای خود و بضرر غیر در صورتیکه اقرار برابر تعریف ماده ۱۳۵۹ ق. م. عکس آن و اخبار بحقی است برای غیر و بضرر خود بنا بر این اگر در این مورد بجای دروغ عبارت **خلافگویی** بکار برده شود بهتر خواهد بود.

حالا تحلیل این حالت روحی که چطور ممکن است کسی بضرر خود و به نفع دیگری دروغ گفته باشد از تحلیل و تجزیه خود حالت صحیح اقرار که اخبار بحقی دیگری و بضرر خود میباشد روشن میگردد:

عموماً در اثر خصلت خود خواهی هیچکس حاضر نیست بحق دیگری و بضرر خود اقراری بنماید بنابراین حتمی است اقرار در این صورت اینطور بوجود میآید که مقر تحت فشار و اکراه قرار گرفته باشد در اینجا منظور ما از فشار و اکراه اعم است از اینکه از خارج وارد شود مانند (ترس از غیر) یا از داخل مانند فشار وجدان ولی اگر تصادمی بین فشار خارجی و فشار داخلی روی دهد یعنی اگر در اثر ترس از غیر مقر مجبور با اقرار بوده ولی وجدان با او موافقت نداشته باشد این اقرار بظاهر درست و باطن نادرست یعنی بشکل غلط (دروغ) بعمل خواهد آمد و نتیجه همین تحلیل و تجزیه است که مقنن در مواد ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ اینصورت از اقرار را ممکن الوقوع و از این جهت که خلاف حقیقت بوده آنرا قاطع نیافته و دعوی مقرر قابل استماع دانسته است.

### ب- از نظر قضائی

تحلیل قضائی این مطلب از این قرار است که طرفین دعوی در این مورد در سه قسمت زیر باهم متفق القولند:

۱- هر دو معتقدند که محاسبه ای در بین بوده.

۲- هر دو معتقدند که محاسبه فیما بین مفروغ و منجر بصدور مفاصا حساب گردیده.

۳- هر دو معتقدند که مستند این تفریغ صورت حسابهای محاسبه قبلی فیما بین بوده است.

بنابر این بدیهی است اگر در مدارک مورد استناد مفاصا حساب یعنی صورتحسابهای مورد اتفاق هر دو اشتباهی روی داده و طرفین از آن غفلت داشته اند از جهت اینکه هر دو تاخود با اقرار خود نیباشند باید مرجوع گردیده و رسیدگی شود و لوائیکه در مفاصا حساب نوشته شود طلبی از همدیگر ندارند - مستند قانونی این تجزیه ماده ۳۷۴ آ. د. م. است